

دهشت افگنی های فرامرزی و بحران امنیتی در منطقه افراط گرایی خشونت آمیز در جنوب آسیا ابزار ارزان قیمت بمنظور خریدن دشمن

آنها با بحران هویتی مواجه می باشند
"جنگ آشکار" پاکستان با "طالب" ها
رویا های گم شده یا زندگی در سایه؟
انتقام و کشتن یا ساختن یک دولت؟

دهشت افگنی فرامرزی و بحران امنیتی منطقه، ریشه در فعالیت گروه های مسلح، خلای قدرت در مرزها و تنش میان کشورهای همجوار دارد. کامنیت و ثبات را در آسیای جنوبی و مرکزی بخطر مواجه نموده است. مهمترین ابعاد این بحران شامل گروه های تروریستی فعال، تنش های مرزی و خطرات اقتصادی میباشد. ریشه ها و عوامل بحران عمدتاً عبارتند از: وجود گروه های مسلح، از جمله حضور تی تی پی و داعش در مناطق مرزی، تنش کشورهای همجوار، خلای قدرت و ناتوانی یا بی رغبتی حکومت ها در نظارت کامل مناطق دور افتاده مرزی، تنش کشورهای همجوار از جمله اختلاف میان کشورهای چون حکومت افغانستان و پاکستان، بویژه در مورد پناهگاه های امن ستیزه جویان. پیامدهای امنیتی و اقتصادی در زمینه را می توان چنین بر شمرد: نا امنی پایدار، افزایش حملات مسلحانه و انفجارها در داخل کشورهای منطقه، تنشهای دیپلماتیک و تیره شدن روابط و مناسبات سیاسی و مسدود شدن گذرگاه های مرزی.

در لابلای نبشته حاضر سعی بعمل آمده تا تنشهای پاکستان مسلح هستوی و حاکمیت "طالب" ها در افغانستان که از اواخر ماه دلو سال پارافزایش یافته و نه تنها در داخل کشور، بلکه بی ثباتی را در مجموع منطقه تشدید نموده و نگرانی هایی را در مورد خطر درگیری های دراز مدت ایجاد نموده، مورد مطالعه و بررسی قرار داده شود. دو روز پس از درگیری مسلحانه یادشده، بدرخواست عربستان، ترکیه و قطر، آتش بس موقت درگیری ها اعلام گردید. همه شاهد بودند که پاکستان پس از حمله به تأسیسات نظامی "طالب" ها، در مستقیم ترین رویارویی مسلحانه بین افغانستان و پاکستان تا کنون، بویژه پس از افزایش تنش ها و وسعت عملکردهای خشونت آمیز شبه نظامیان در پاکستان، بویژه پس از آنکه اسلام آباد "جنگ آشکار" را با افغانستان اعلام نموده است، از قوه بفعل مبدل گردید. اسلام آباد مانند همیشه، جنگجویان "تحریک طالب های پاکستان" را که بر بنیاد اظهارات مقامات پاکستانی، ظاهراً در سرزمین و اراضی متعلق به افغانستان بسر می برند، به سازماندهی و به انجام اقدامات تخریبکارانه و دهشت افگانه متهم می نمایند، اتهام و ادعایی که حاکمیت "طالب" ها آنرا رد نموده و همچنان از موجودیت و حضور جنگجویان یادشده در اراضی و مناطق مربوط به افغانستان نیز انکار می ورزند. اما در مجموع، تاریخچه افراط گرایی و تنش ها در کشور عزیز ما افغانستان، بویژه در حوادث اتفاقیه سال ۱۳۵۷ خورشیدی و پس از آن، این جنگجویان مجاهدین بودند که وارد معرکه شده و مبارزه و جنگ مستقیم و غیرمستقیمی را علیه نظامیان حکومتی و قوت های خارجی سازماندهی و اجرا نمودند. در امتداد سال ۱۳۶۸ خورشیدی، کشور عزیز ما افغانستان بورطه مبارزه و درگیری های خشونت آمیز تصاحب قدرت بین جناح

های رقیب مجاهدین سقوط نموده که در نتیجه، شهر کابل ویران گردیده و هرج و مرج، ناامنی و زورگویی سراسر جا معه را فراگرفت. درین مقطع پرسشی باین شرح مطرح می گردد که پشت پرده درگیری های پسین در کشور، چه واقعیت هایی نهفته می باشد؟

قبل از همه بایست متذکر گردید که ادعای اسلام آباد مبنی بر موجودیت پایگاه های طالب های پاکستانی در سرزمین و اراضی متعلق بکشور عزیز ما افغانستان، هسته اصلی و عمده درگیری ها و ضد و نقیض گویی های کنونی بین کشور عزیز ما افغانستان و پاکستان را تشکیل می دهد. اما نباید فراموش خاطر ما گردد که مناقشه پاکستان با افغانستان، به نحوی از انحاء به نگرانی ایالات متحده نیز مبدل گردیده است. اما رابطه پاکستان با "طالب" ها از حمایت آشکار در دهه ۱۳۶۸ خورشیدی به همکاری خاموش، بویژه پس از سال ۱۳۷۹ خورشیدی و پس از آن از سال ۱۳۹۹ خورشیدی بعد به بیگانگی خصومت آمیز تغییر نموده است. درگیری های مسلحانه بین دو کشور، از یکجانب هزینه های هنگفتی را برای هر دو جانب در پی داشته و باید پذیرفت که از یکطرف راه حل نظامی قضایای موجود اصلن متصور نبوده و از جانب دیگر، راه حل سیاسی قضایا نیز آنقدر ها هم سهل و ساده نداشته نمیشود، مهمتر از همه اینکه، درگیری های مسلحانه بین دو طرف بمثابة تهدید ثبات کشورهای همجوار نیز نداشته می شود. با وجود آنکه منافع ستراتیژیک ایالات متحده در منطقه، بویژه پس از خروج نظامیان آن کشور از افغانستان در امتداد سال ۱۳۹۹ خورشیدی، تا حدودی کاهش یافت، اما دگرگونی و پویایی سیاسی منطقه دستخوش تحول گردیده و بویژه تحولاتی در تغییر صف بندی های سیاسی و نظامی در آن، اسباب تعامل بیشتر ایالات متحده با پاکستان و بگونه آزمایشی با کشور عزیز ما افغانستان را فراهم نموده و در کنار آن، واشنگتن به عاملی در چگونگی شکل گیری ستراتیژی امنیت ملی اسلام آباد مبدل گردیده است.

با نگاه گذرا به پس منظر قضایا، باین نتیجه میرسیم که یکدهه پس از تأسیس پاکستان در سال ۱۳۲۵ خورشیدی، کشور یادشده بمثابة عضوی از ساختار های جنگ سرد که عمدتاً در ضدیت با اتحاد شوروی ایجاد گردیده بود، در پس منظر سیاست های ستراتیژیک ایالات متحده از اهمیت منحصر بفردی برخوردار گردید. همکاری امنیتی با جهاد اسلامی تحت حمایت و پشتیبانی پاکستان علیه شوروی در دهه ۱۳۵۸ خورشیدی، بیش از پیش تقویه گردیده و پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ ترسای، عمدتاً بمنظور مقابله با شورشیان "طالب" ها در کشور ما احیا گردید. در امتداد دودهه موجودیت نظامیان

امریکایی در اراضی متعلق بکشور عزیز ما، اعطای حقوق پرواز از جانب پاکستان و چگونگی دسترسی به بندر کراچی بمنظور تأمین ضروریات نظامیان امریکایی در امر مبارزه مسلحانه علیه "طالب" ها، بسیار حیاتی و مهم تلقی میگردد. در امتداد زمانی یادشده، پاکستان نیز بدلیل فراهم نمودن پناهگاه های امن برای جنگجویان "طالب" ها که بدون آن، به گمان اغلب که شورش نمی توانست پیروز گردد، در مرکز ثقل درگیری ها و حوادث اتفاقیه بعدی قرار داشت. اما پس از ترک نمودن افغانستان توسط نظامیان امریکایی و خروج یکشبه آنها از سرزمین ما، هیچکدام از دو کشور یادشده، در مجموعه محاسبات ستراتیژیک واشنگتن جایی نداشتند.

در امتداد سال ۱۳۸۲ خورشیدی، واشنگتن، پاکستان را بمثابة "متحد اصلی غیر ناتو" معرفی نموده که برین بنیاد، روابطش با پاکستان را بشارکت دفاعی ستراتیژیک ارتقا بخشید. اما پاکستان در عین زمان، شاهد بی توجهی ایالات متحده بآن کشور نیز بود، موضوع فوق در دوره ریاست جموری جو بایدن بوضاحت آشکار و بر ملا گردید. اما برنا مه مبارزه با تروریسم که زمانی بگونه قابل قبولی تأمین مالی می گردید، بگونه ای پایان پذیرفته و روابط توسعه و مناسبات دیپلماتیک نیز بعد اقل کاهش حاصل نمود. در حالی که نگرانی ها در مورد منع گسترش سلاح هستوی در منطقه همچنان پابرجا بود، سیاستگذاران واشنگتن، بویژه در دولت بارک اوباما، تلاش ورزیدند تا بجانب عرصه آسیا - اقیانوسیه رو آورند، اما چگونگی وقایع و نحوه سیر حوادث آنها را ناگزیر نمود تا بیشترین توجه شان را به خاور میا نه و سپس به اکرانین معطوف نمایند.

جدایی از افغانستان، روند یادشده را بیش از پیش تشدید نمود. واشنگتن مشتاق بود تا خروج شرم آور نظامیان امریکا بی و عدم موفقیت در امر پایه گذاری و ایجاد یک دولت قانونی و کارآمد در کشور عزیز ما را بنحوی توجیه نماید. اداره واشنگتن بر هبری بایدن، در راستای عزمش بمنظور منزوی کردن افغانستان، عملن به قطع تمامی تعاملات دیپلوما تیک مبادرت ورزید. با وجود آنکه حاکمیت جدید در کابل، بمثابة ناقض مفاد توافقنامه دوحه در سال ۱۳۷۹ خورشیدی و پناه دادن بگروه های تروریستی منطقه، از جمله "القاعده" تلقی میگردد، اما حاکمیت "طالب" ها در نفس خود، بمثابة تهدیدی بمنافع ایالات متحده نداشته نمی شد. برین بنیاد، در مقایسه با سایر تحولات و وقایع اتفاقیه در سایر نقاط جهان، افغانستان و پاکستان در حاشیه قرار گرفتند.

اما از یاد ما نرود کاصل روابط ایالات متحده با پاکستان، گرم تر شده و مناسبات میان کشورهای یادشده، بویژه در دوره کنونی دولت ایالات متحده بر هبیری دونالد ترامپ که بیشتر رویکرد معامله گرانه ای دارد، دستخوش ارزیابی مجدد گردیده است. علاقه مجدد به پاکستان، عمدتاً بر بنیاد پیشنهاد کشور نامبرده بمنظور تأمین مواد معدنی کمیاب حیاتی برای رفع نیازمندی هایی در بخش انرژی و صنایع دفاعی ایالات متحده و فرصت های نوید بخشی برای سرمایه گذاری های هنگفت امریکایی متمرکز گردیده است. در عوض، اسلام آباد از ایالات متحده درخواست نموده تا در قبال اولویت های سیاست خارجی پاکستان، بگونه جدی حساس باشد. پاکستان همچنان خواهان تحت فشار قرار دادن صندوق بین المللی پول بمنظور درک بهتر وضعیت بحرانی اقتصادی آن کشور شده است. اما سردی روابط ایالات متحده با هند، بویژه در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، علاوه بر تمایل و اشنگتن به هدف کاهش وابستگی اقتصادی اسلام آباد به سرمایه گذاری چین، در تقویت روابط و مناسبات تنگاتنگ با پاکستان نیز نقش داشته است. در عرصه دیگر، با موجودیت پاکستان بمثابة شریک ستراتیژیک ایالات متحده، کشور اخیر الذکر ممکن است به موقعیت بهتری بمنظور بازیابی جایگاه ستراتیژیک خود در منطقه ای که بگونه فزاینده تحت نفوذ چین قرار دارد، نایل گردد.

مخالفت و دشمنی بین افغانستان و پاکستان، ریشه در سیاستی دارد که در امتداد سال ۱۲۷۱ خورشیدی، برابر با سال ۱۸۹۳ ترسای، با ترسیم خط تحمیلی "دیورند"، قبایل پښتون را از هم مجزا نمود. از زمان پیدایش و ذایش نامیمون پاکستان در امتداد سال ۱۳۲۵ خورشیدی (۱۹۴۷ ترسای)، کشور ما افغان ها شاهد مداخلات و دست درازیهایی نظامیان پاکستانی بوده است.

کشور عزیز ما افغانستان، با حمایت از حق تعیین سرنوشت ملل، بمنظور ایجاد یک وزنه تعادل، از طریق تقویت مناسبات و روابط همه جانبه با هند، باین مسأله واکنش نشان داد. رژیم ها و حاکمیت های سیاسی مختلف در کشور ما، در قبال تلاش های پاکستان بمنظور استفاده ابزاری از آنها بمثابة عنصری از دفاع ستراتیژیک اخیر در قبال هند مقاومت نموده اند. با وجود آنکه مسأله پښتونستان، همچنان بمثابة عامل تحریک کننده در مناسبات دو کشور پنداشته می شود، اما بنحوی از انحاء ویشکلی از اشکال تحت شعاع اختلافات ایدئولوژیک قرار گرفته است.

نباید فراموش نمود که "طالب" ها با ثبات رسانیدند که می توانند حتی بدون برسمیت شناختن آنها توسط جامعه بین المللی و موجودیت تحریم های دست و پاگیر، همچنان بحیات شان ادامه داده و در عین زمان به نماد خود کفایی در قبال فشار های جهانی، از خود انعطاف پذیری نشان دهند. چنین تصویری گردد که رهبری "طالب" ها مطمئن می باشند که بمرور زمان جامعه جهانی ناگزیر خواهد گردید تا بواقعیت اقتدار طالبانی در افغانستان گردن نهاده و آنرا بمثابة دولت مستقلی برسمیت بشناسند.

اعتماد بنفس گروه یادشده از این منبع آب میخورد که نظارت افغانستان را از نیرومند ترین غول نظامی جهان بدست آورده اند. برداشت جنگجویان "طالب" ها از خودشان بمثابة مبارزان کار آزموده در نبرد با مأموریت پاکسازی کشور از طریق کار بست نسخه واقعی تراز قوانین و احکام اسلامی، نحوه تفکر و طرز برداشت آنها را متمایز می نماید. اما، این واقعیت مسلم را باید پذیرفت که بحران کنونی کشور، عمدتاً ریشه در ایجاد و فراهم آوری امکانات، موجودیت و حضور جنگجویان شبه نظامی "تحریک طالب های پاکستانی" در اراضی متعلق به افغانستان داشته و بر بنیاد اظهارات مقامات اداره اسلام آباد، تحریک یادشده، با حمایت و پشتیبانی کابل، بویژه پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها در افغانستان، بانجام حملات گسترده تروریستی فرامرزی علیه پاکستان مبادرت ورزیدند که در نتیجه منجر به کشته شدن هزاران تن از کارمندان امنیتی و شهروندان پاکستان گردید. این در حالی بود که "طالب" ها در توافقنامه سال ۱۳۹۸ خورشیدی که زمینه را برای تصمیم ایالات متحده بمنظور فراخواندن نظامیان آن کشور از افغانستان فراهم کرده بود، متعهد گردیده بودند که مانع استفاده و بکارگیری از اراضی افغانستان بمنظور انجام اقدامات تروریستی علیه نیروها و یا کشورهای دیگر گردند.

اما تمامی تلاش ها و سعی و کوشش ها بمنظور پایان بخشیدن بن بست در مناسبات دو کشور که عمدتاً ناشی از ادعای پاکستان در مورد موجودیت جنگجویان "تحریک طالب های پاکستانی" در افغانستان میگردد، با شکست و عدم موفقیت مواجه گردید. رهبران "طالب" ها، زمینه های مذاکرات مستقیم بین "تحریک طالب های پاکستانی" و اداره اسلام آباد رامهیا نموده و چین، قطر، ترکیه و عربستان بمنظور میانجیگری در مورد یادشده، تلاش بعمل آوردند. با اینهمه، شاهد آن بودیم که مذاکرات یادشده، صرف موجودیت اختلاف در مورد مسایل و موضوعات اساسی و عمده را برجسته نمود.

اما بخاطر ما باشد که "طالب" ها اصلن حاضر نیستند تا به گسست و یا پایان بخشیدن مناسبات و پیوندهای شان با

"تحریک طالب های پاکستان" که مدت ها متحد و پشتیبان آنها بودند، مبادرت ورزند. "طالب" ها در کابل تلاش ورزیده اند "تحریک طالب های پاکستان" را وادار نمایند تا جنگجویان شان را بمحلات و مناطق دورتر از "خط دیورند" انتقال دهند.

با وجود اینهمه، با تشدید و انجام اقدامات خشونت آمیز در سرزمین و اراضی متعلق به پاکستان، بر بنیاد ادعای مقامات پاکستانی، نظامیان آن کشور بار دو گاهای تحریک یاد شده و سایر اهداف مورد نظرشان در داخل محدوده افغانستان، از جمله در مناطقی از شهر کابل نیز حملات هوایی انجام دادند. با اینحال، اقدامات نظامی هدفمند نیز نتوانست "طالب" ها در کابل را از حفظ و تداوم روابط و پیوند های شان با تحریک یاد شده منصرف نماید. بنابراین، نظامیان پاکستانی تهدید نمودند که علیه "طالب" ها در کابل، "ضربه خرد کننده ای" با انجام حملات بمب گذاری و تأمین و فراهم آوری سلاح و مهمات جنگی برای گروه های مقاومت محلی که بدنبال تغییر رژیم در افغانستان می باشند، مبادرت خواهند ورزید. این مسأله قابل یاد دهنی پنداشته میشود که تهدید های اینچنینی، بویژه مبنی بر تغییر رژیم، اگر جنبه عملی بخود اختیار نماید، در کنار آنکه موضوع یاد شده غیر قابل پیشبینی بوده و اما در صورت تکوین آن، کل منطقه به بی ثباتی مؤاچه خواهد گردید. با وجود آنکه پاکستان از برتری نظامی و تسلیحاتی برخوردار می باشد، اما قوت های زمینی نظامی آن کشور بمنظور از میان برداشتن مراکز و پایگاه های "تحریک طالب ها پاکستان"، بکشور عزیز ما گسیل گردیدند، به یقین که با مدافعان "طالب" ها که در نبردها آزموده شده اند، در صورت تقابل و رویارویی با نظامیان پاکستانی، به جنگ چریکی نامتقارن مبادرت خواهند ورزید. اسلام آباد باید بپذیرد که در صورت احتمال جنگ و درگیری های مسلحانه در امر متحد نمودن شهروندان افغان در امر مبارزه با مهاجمان خارجی کمک نموده و مدد رساند. علاوه بر آن، کمپاین گسترده نظامی در کشور عزیز ما ممکنست نیرو های امنیتی پاکستان را از مقابله با تهدید های تروریستی منحرف نموده و گروه های اسلامی بنیادگرا را در داخل کشور تشجیع نماید.

اقدامات تلافی جویانه، با اطمینان دولتی برای دولتی که از قبل هم تحت فشار های اقتصادی قرار دارد، می تواند پر هزینه و گزاف بوده و حتا منجر به شکل گیری و ایجاد مقاومت سیاسی در داخل، بویژه در ایالت عمدت پښتون نشین خیبر پښتونخواه گردد.

اسلام آباد بمنظور تحت فشار قرار دادن کابل در امر جلوگیری و ممانعت از نفوذ "تحریک طالب های پاکستان"، فشار های اقتصادی بجانب افغانی وارد نموده است. از جمله در کنار موارد دیگر، یکی هم اینکه تعداد بیشماری از شهروندان مهاجر افغان، بشمول آنهایی را که سال های متمادی در پاکستان بسر می بردند، از آن کشور اخراج نموده است که در وضعیت اینچنینی، بار سنگین دیگری نیز علاوه گردیده و "طالب" ها در صدد جستجوی امکانات بمنظور اسکان مجدد آنها می باشند. در کنار اینهمه، مسدود شدن گذرگاه های مرزی بین دو کشور که بمنظور انجام تجارت و رفت و آمد شهر و ندان هر دو کشور از آنها استفاده بعمل میآید، اقتصاد کشور ما را بیش از پیش تحت فشار قرار داده است. فشار های تجاری یاد شده، با اقتصاد افغانستان محصور در خشکه لطمه وارد نموده و اما از جانب دیگر، پاکستان نیز در زمینه، هزینه بالایی می پردازد. ایالت خیبر پښتونخواه با بازار های کشور ما ارتباط تنگاتنگی داشته که در وضعیت ایجاد موانع یاد شده، به گسترش و وسعت تجارت پاکستان با آسیای مرکزی نیز زیان وارد می نماید. ممانعت و یا تعلیق تجارت افغانستان با پاکستان، سبب گردید تا "طالب" ها بمنظور جایگزینی و تغییر مسیر های پاکستان، با استفاده از بنادر ایران بهند و اروپا متصل گردند.

در پایان، بمنظور نتیجه گیری مطالب و مسایل گفته آمده در متن نبشته حاضر، متذکر باید گردید که تروریسم فرامرزی و بحران های امنیتی منطقه بمتأبه شبکه بهم پیوسته ای از تهدید ها را تشکیل می دهند. گروه ها و دسته بندی های تروریستی با استفاده از نظارت های ضعیف مرزی، موجودیت درگیری های مسلحانه محلی و بی ثباتی اقتصادی، به هدف انتقال جنگجویان، سلاح و بودجه، سوء استفاده نموده، حاکمیت دولت ها را تضعیف و خواهان مشارکت وسیع و گسترده ای در اجرای عملی برنامه های تخریب کارانه شان می باشند که معضلات و مشکلات اصلی در مورد عبارتند از:

زیر پا گذاشتن مرز ها، همکاری در انجام فعالیت های جرمی، بهره برداری از نقاط ضعیف موجود، بی ثبات سازی نهاد ها، بحران های انسانی، بحران مهاجرت، خسارت های اقتصادی، اختلال در مسیر های تجاری، از دست دادن سرمایه گذاری و کاهش منابع دفاعی. اقدامات و اکنشی لازم در مورد را می توان چنین بر شمرد: تقویت مرز ها، اشتراک گذاری اطلاعات، انحلال مراکز تدارکاتی، قطع کانال ها و مسیر های حمایت مالی و تأمین تسلیحاتی.

یکشنبه ۱۱ ماه اسد سال ۱۴۰۵ خورشیدی، برابر با ۲ ماه اگست سال ۲۰۲۶ ترسایی